

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بازتایپ، ویراستاری، پیشگفتار و ارسال از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۲۶ نومبر ۲۰۱۷

مدافعین استعمار نوین-۴

چهارمین تفسیر از نامه سرگشاده کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی

و

دو نوع

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

به کلی متضاد

ششمین تفسیر از نامه سرگشاده کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی

اداره نشریات زبانهای خارجی
پکن [بیجینگ] ۱۹۶۴

مدافعین استعمار نوین

چهارمین تفسیر از نامه سرگشاده کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیأت تحریریه روزنامه "ژن ژیبائو" (مردم)
هیأت تحریریه مجله "خون چی" (پرچم سرخ)
(۲۲ اکتوبر سال ۱۹۶۷)

اداره نشریات زبانهای خارجی
پکن [بیجینگ] ۱۹۶۴

جای نگرفتن رویونیسم کهنه در شکل نوین

سیاست رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسئله ملل مستعمره چیز تازه ای جز همان سیاست ورشکسته شده رویونیستی انترنسیونال دوم نیست. فرق بین آنها فقط این است که رویونیسم انترنسیونال دوم به استعمار کهن امپریالیسم خدمت می کرد و رویونیسم معاصر به استعمار نوین امپریالیسم خدمت می کند. رویونیستهای کهن با استعمار کهن هم آهنگ بودند و خروشچف هم آهنگ با استعمار نوین است.

قهرمانان انترنسیونال دوم به نمایندگی برنشتاین و کائوتسکی مدافع سلطه استعماری کهن امپریالیسم بودند. آنها آشکارا اظهار نظر می داشتند که سلطه استعماری مترقی است و برای مستعمرات "تمدن عالی به بار آورده" و "نیروی مولده مستعمرات را پیشرفت داده است". آنها حتی می گفتند که لغو مستعمرات "به معنای بازگشت به دوران وحشیگری است".

در این مورد خروشچف دارای این چنین جرأت بزرگی است؟ علت آن این است که لحن امپریالیسم دیگر تغییر کرده است.

پس از جنگ دوم جهانی امپریالیستها در زیر ضربات دوگانه انقلابهای سوسیالیستی و انقلابهای آزادیبخش ملی مجبور به درک این موضوع شدند که "اگر کشور های باختر تلاش کنند وضع موجود استعمار را حفظ نمایند این ناگزیر منجر به انقلاب جبری و شکست آنها می شود" و اشکال کهنه سلطه استعماری "به عکس می تواند "زخمی" باشد که نیروهای اقتصادی و معنوی حیات کشوری را چون خوره نابود سازد". بدین جهت امپریالیستها ضرورت تغییر شیوه های خود و انتقال به استعمار نوین را دریافتند. درست بدین جهت است که خروشچف با استعمارگران نوین هم آواز شده است. او از یک طرف ضمن پرده پوشی استعمار نوین تبلیغ می کند که گویا "استعمار دیگر از بین رفته است" و از طرف دیگر به ملل ستمدیده نصیحت می کند که استعمار نوین را بپذیرید. او به طور خستگی ناپذیر در باره این موضوع تبلیغ می کند که ملل ستمدیده با اجرای به اصطلاح "همزیستی مسالمت آمیز" با امپریالیسم متمدن می تواند "اقتصاد ملی خود را به سرعت پیشرفت داده"، "اعتلای سریع نیروی تولیدی را تأمین نمایند" و "بازار داخلی کشور های ستمدیده می تواند به طور غیر قابل مقایسه بسط و توسعه یابد" و این کشور های ستمدیده به نوبه خود "می توانند مواد خام و محصولات و کالا های گوناگون بیشتری که برای اقتصاد کشور های صنعتی رشد یافته لازم است، فراهم نمایند" و در عین حال در نتیجه "سطح زندگی اهالی کشور های کپیالیستی رشد یافته به طور قابل ملاحظه ای می تواند ارتقاء یابد".

خروشچف نیز فراموش نکرده است که از زرادخانه رویزیونیستهای انترنسیونال دوم سلاح زنگ زده و از کار افتاده بریاید.

مثلاً: رویزیونیستهای کهن علیه جنگ آزادیبخش ملی اقدام می نمودند و توصیه می کردند که مسئله ملی "تنها می تواند از طریق موافقتهای بین المللی" و "در حالت مسالمت آمیز حل شود". خروشچف در این زمینه خصوصاً از رویزیونیستهای انترنسیونال دوم ارثی برده و طرفدار "دفن آرامانه سیستم استعمار می باشد".

رویزیونیستهای کهن به مارکسیستهای انقلابی حمله کرده به آنها افتراء می زدند که گویا "بلشویزم ماهیتاً یک نوع سوسیالیسم جنگ طلبانه می باشد". و "انترنسیونال کمونیستی خیال واهی دارد که آزادی کارگران می تواند به کمک سرنیزه های ارتش سرخ پیروزمند جامعه عمل بپوشد و برای انجام انقلاب جهانی جنگ نوین جهانی لازم است"، آنها همچنین شایعه ای پخش می کردند که از چنین موضعی "خطر فوق العاده بزرگ جنگ جدید جهانی سرچشمه می گیرد". عباراتی که امروزه خروشچف با آن حزب کمونیست چین و سایر احزاب برادر مارکسیستی - لنینیستی را به باد افتراء گرفته درست همان عباراتی است که رویزیونیستهای کهن در زمان خود با استفاده از آن به بولشویکها تهمت می زدند. مشکل است که در بین آنها فرقی پیدا کرد.

باید گفت خروشچف در خدمت به استعمار نوین امپریالیسم از رویزیونیستهای کهن در خدمت به استعمار کهن امپریالیسم دست کمی ندارد.

لنین خاطر نشان ساخت که سیاست امپریالیستی جنبش بین المللی کارگری را به دو جریان انقلابی و اپورتونیستی تقسیم می کند.

جریان انقلابی در صف ملل ستمدیده قرار می گیرد و علیه امپریالیستها و استعمارگران مبارزه می کند و در نقطه مقابل آن جریان اپورتونیستی دستپورده امپریالیستها و استعمارگران قرار دارد که امپریالیستها و استعمارگران پس مانده خود را از سود کلانی که از مکیدن خون خلقهای مستعمرات و نیمه مستعمرات به چنگ می آورند جلوی آنها می اندازد و این اپورتونیستها در صف امپریالیستها و استعمارگران ایستاده و علیه انقلابهای رهائیبخش ملل ستمدیده مبارزه می کنند.

تقسیم جنبش کارگری بین المللی به جریانات انقلابی و اپورتونیستی که لنین متذکر می شود، اکنون نه تنها در جنبش کارگری کشور های سرمایه داری پدید آمده بلکه در کشور های سوسیالیستی که پرولتاریا در رأس حکومت قرار دارد نیز مشاهده گردیده است.

تجربیات تاریخی نشان می دهد که جنبش آزادیبخش ملی برای به دست آوردن پیروزی نهائی باید اتحاد استوار با جنبش انقلابی کارگری برقرار نماید و در عین حال باید بین خود و جریان رویزیونیستی که به امپریالیسم و استعمار خدمت می کند مرزبندی دقیق نماید و مصممانه تأثیرات رویزیونیسم را نابود سازد.

تجربیات تاریخی گواه بر آن است که جنبش کارگری در کشور های سرمایه داری اروپای باختری و امریکای شمالی برای دست یافتن به پیروزی باید اتحاد فشرده ای با جنبش آزادیبخش ملی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین برقرار سازد و با جریان رویزیونیستی مرزبندی دقیق نماید و تأثیرات آن را با قاطعیت ریشه کن کند.

در صفوف جنبش کارگری بین المللی رویزیونیستها عمال امپریالیسم می باشند. لنین می گوید: "مبارزه علیه امپریالیسم اگر رابطه ناگسستگی با مبارزه علیه اپورتونیسم نداشته باشد عبارت توخالی فریبنده ای بیش نیست." ("کلیات لنین"، جلد 22، صفحه 288 چاپ روسی) پس امروز مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار نوین و کهن نمی تواند با مبارزه علیه مدافعین استعمار نوین پیوند فشرده ای نداشته باشد.

هر چه هم امپریالیسم بکوشد نقاب بر چهره زند، هر چه هم مذبوحانه مقاومت کند، هر قدر هم مدافعین استعمار نوین به آرایش استعمار نوین بپردازند و بدان خدمت کنند، امپریالیسم و استعمار نمی توانند از نابودی جبری خود اجتناب نمایند و نمی توانند سیر ظفرنمون انقلابهای آزادیبخش ملی را متوقف سازند. مدافعین استعمار نوین سر انجام با ورشکستگی نهائی مواجه خواهند گشت.

پرولتاریای سراسر جهان و ملل ستمدیده متحد شوید!.

ادامه دارد